

همیشه‌ها

صفحه
آخر

سحرم دولت بیدار به بالین آمد
گفت بر خیز که آن خسرو شیرین آمد
حافظ

■ حضرت امیر المؤمنین علی؛

بلندترین و استوارترین قلعه‌های دین، تقوا و
پرهیزکاری است.

■ آذان ظهر: ۱۳:۰۱ ■ غروب آفتاب: ۲۰:۰۸
■ آذان مغرب: ۲۰:۲۸ ■ نیمه‌شب شرعی: ۰۰:۰۰
■ آذان صبح: ۴:۱۳ ■ طلوع آفتاب: ۵:۵۴

■ صاحب امتیاز: مؤسسه همشهری
■ مدیر مسئول: عبدالعزیز گنجی
■ سردبیر: دانیال معمار

■ دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (حج) کوچه توح، شماره ۱۴
■ کدپستی: ۴۵۵۵۶-۴۵۵۶۶-۱۹۶۶۶ ■ تهران، صندوق پستی ۱۹۶۶۶۵۵۴۴
■ تلفن: ۳۳۰۳۰۰۰-۳۳۰۳۰۰۰، شماره ۲۲۰۴۶۰۶۷

■ چاپ: ماهیگیری
■ تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

■ همشهری: www.hamshahronline.ir
■ سایت روزنامه: newspaper.hamshahronline.ir

■ توزیع و اشتراک:
■ موسسه نشر گستر امروزین
■ تلفن: ۶۱۹۳۳۰۰۰

■ سازمان آگهی‌ها و نیازمندی‌ها:
■ خیابان قائم‌مقام فراهانی، میدان شعاع، خیابان شهید مدرس
■ شماره: ۲۹-طبقه اول - تلفن: ۸۸۸۶۱۸۱۹-۸۴۳۲۱۷۰

مقابله ماسک با جنگل زدایی



سائوپائولو: ایلان ماسک، مدیر عامل «تسلا» و «سپیس ایکس» با زائیر بولسونارو، رئیس‌جمهور برزیل ملاقات و با وی در خصوص همکاری‌های دوجانبه در زمینه ارائه خدمات اینترنتی و پروژه‌های مشترک در منطقه جنگلی آمازون گفت‌وگو کرد. به گزارش ایندپیندنت، این نشست که در استراحتگاه مجلل بولسونارو در ایالت سائوپائولو برگزار شد، از سوی فابو فاریا، وزیر ارتباطات برزیل سازماندهی شده بود. به گفته فابو فاریا که خود اواخر سال گذشته میلادی در ایالت تگزاس آمریکا با ایلان ماسک دیدار و گفت‌وگو کرده بود، برزیل به دنبال مشارکت با ثروتمندترین مرد جهان برای بهره‌بردن از اینترنت ماهواره‌ای استارلینک است تا از این طریق هزینه دسترسی به شبکه اینترنت در مدارس و مراکز بهداشتی واقع در مناطق روستایی را فراهم کند. ارائه خدمات ماهواره‌ای برای رصد مناطق جنگلی آمازونی و اجرای طرح‌های مشترک در زمینه مقابله با پدیده جنگل‌زدایی در این منطقه از دیگر اهداف همکاری دولت برزیل با ایلان ماسک اعلام شده است.

شهر پلنگ‌ها و آدم‌ها



راجستان: مردمان شهری در هند به زندگی مسالمت‌آمیز با پلنگ‌ها عادت کرده‌اند و در این منطقه هیچ گزارشی از حمله پلنگ‌ها به انسان‌ها به پلیس نمی‌رسد. به گزارش آدیتی سنترال، شهر برا Bera واقع در ایالت راجستان هند به گواهی کارشناسان تنها نقطه‌ای از زمین است که حدود یک قرن است انسان‌ها و پلنگ‌های منطقه هیچ مشکلی با هم ندارند. در اطراف این شهر ۱۰۰ قلاده پلنگ زندگی می‌کنند که انسان‌ها را به عنوان موجوداتی می‌شناسند که به آنها غذا می‌دهند و به همین دلیل نباید به آنها حمله کرد. این منطقه که به جاذبه گردشگری هم تبدیل شده برای گردشگرها مکان عجیبی است چرا که آنجا شاهد همزیستی مسالمت‌آمیز انسان و این حیوان درنده هستند.

آلودگی؛ عامل یک ششم مرگ‌ها



نیویورک: براساس گزارش جدیدی که در مجله «انسیت پلنتری هلت» منتشر شد، آلودگی عامل ۹ میلیون مرگ در سال ۲۰۱۹ میلادی بوده است. چیزی معادل یک مورد از هر ۶ مرگ در سراسر جهان. این گزارش نشان داد که شمار تمامی مرگ‌ومیرها از آخرین تحلیل در سال ۲۰۱۵، تقریباً بدون تغییر است، اما تعداد مرگ‌ومیرهای منتسب به آلودگی صنعتی افزایش یافته است. اکثر قریب‌به‌اتفاق ۹۲ درصد از مرگ‌های مرتبط به آلودگی - در کشورهای کم‌درآمد یا با درآمد متوسط بوده است. به گزارش یورونیوز، ریچارد فولر، نویسنده ارشد این گزارش، گفت: «برخلاف تأثیر سوء آلودگی بر سلامتی، اجتماع و اقتصاد، پیشگیری از آلودگی در برنامه توسعه بین‌المللی تا حد زیادی نادیده گرفته است. براساس این گزارش، از میان ۹ میلیون مرگ ناشی از آلودگی در سال ۲۰۱۹، آلودگی هوا در ۶۷ میلیون مورد، آلودگی آب در ۱۳۶ میلیون مورد، آلودگی سرب در ۹۰ هزار مورد و خطرات مشاغل سمی ۸۷۰ هزار مورد عامل مرگ‌ومیر بوده است. نویسندگان دریافتند که تعداد مرگ‌ومیرهای مربوط به فقر مطلق - ناشی از به اصطلاح «آلودگی سنتی»، مانند آلودگی هوای فضاهای بسته و آلودگی آب، از سال ۲۰۰۰ کاهش یافته است. آنها گفتند که این واقعه به‌ویژه در آفریقا مشهود است.

تفکیک بی‌تردید

نگاه
شیدا اعتماد
روزنامه‌نگار

این روزها که بحث انباشت زباله‌ها در حاشیه شهرها و جنگل‌ها داغ است، تصاویر وحشتناک محل‌های دپوی زباله را دیدیم. تصاویر وحشتناک بود؛ گویی مر تفسیح از زباله که حتی از توی عکس هم می‌شد بوی تعفنش را احساس کرد. رودی را دیدم که نوشته بودند رود نیست و شیرابه این زباله‌هاست و می‌رود که دریا و رودخانه و آب‌های زیرزمینی را آلوده کند. تصویر کوه زباله توی ذهنم ماند و فکر کردم به‌عنوان یک انسان شهرنشین چه کاری می‌توانم برای این زباله‌ها انجام بدهم. خوب بهتر یسن راه‌حل برای حل معضل زباله، تولیدکردن یا کم‌کردن حجم زباله تولیدی است؛ چیزی که با چند تکنیک ساده به راحتی در خانه

اول آخر

گردهمایی خودروهای کلاسیک فولکس واگن سیتی سنتر اصفهان ■ عکس: محمدرضا شریف



تقویم / زادروز

پهلوان تار



پهلوان تار ایران اگنر لقبش دهیم بیهوده نگفته‌ایسم و بیراهه نرفته‌ایسم. پدرش، شعبان خان و عمویش، غلامرضا سارنگ است از موسیقی صاحب‌نظر بودند و مگر می‌شود در چنین محیطی پرورش یافتن و به قله نرسیدن. او که نه فقط در تار، که در سه‌تار و سننتور و گمانچه استاد بود و اگر بود، امروز یک صدویک سسالگی اش را جشن می‌گرفتیم.

زاده اول خردادماه سال ۱۳۰۰ و اهل اصفهان بود. شهری که لبریز و لب‌لب نامدارترین و نام‌آورترین تارنواز روزگار خود بود که بسیار کسان از موسیقی‌دانان معاصر تهران یا برنامه «گلپا»، به تگ‌ناوازی رسید. او در کوتاه‌زمان به چنان مرتبتی رسید که برای نامش سرودست می‌شکستند چنان‌که شش‌هفتادگان منتظر بودند تا نوبت بخش اجرایش شود.

«جلیل شهنواز» در میان استادان متأخر شاید نامدارترین و نام‌آورترین تارنواز روزگار خود بود که بسیار کسان از موسیقی‌دانان معاصر تهران یا برنامه «گلپا»، به تگ‌ناوازی رسید. او در کوتاه‌زمان به چنان مرتبتی رسید که برای نامش سرودست می‌شکستند چنان‌که شش‌هفتادگان منتظر بودند تا نوبت بخش اجرایش شود.

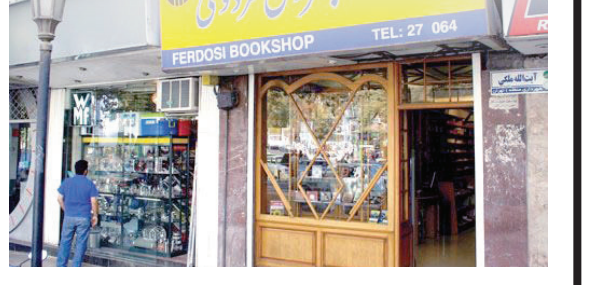
بعضی جاها به سبب قدمت و کسوت، به مرور دهور، محمل و معبر خاطره‌سازی و خاطر مبارزی شده‌اند و تعطیل و یا تخریب‌شان مهر پابانی می‌زند بر نوستالژی چند نسل.

کتابفروشی فردوسی تجریش از آن جاها بود که در سال‌های نیمه دهه ۵۰، نمادی از کتاب و کتابخوانی در شمیران شده بود. جایی که در دست ۵۶ سال کتاب فروخت و در ترویج و ترغیب فرهنگ مطالعه نقش بی‌بدیلی ایفا کرد اما جمع‌ش، مدیر آن، مهدی نوده‌ای را با انتشار یادداشتی در صفحه‌اش، خبر از به محاق رفتنش داد.

فردوسی را محمدعلی نوده‌ای را در سال ۱۳۵۵ تأسیس کرد. او اهل تهران نبود و وقتی در سال ۱۳۲۸ در ۲۴ سالگی اش به پایتخت آمد، مدتی در یکی از کتابفروشی‌های مؤسسه انتشارات امیرکبیر مشغول شد تا آنکه در ابتدای دهه ۴۰ با یک شریک، در ابتدای خیابان دربند و در مجاورت بیمارستان تجریش، کتابفروشی عمتری کوچکی راه‌انداخت و لسانی طول کشید تا کاروبارش رونق گرفت و کار بلد شد. اما وقتی گسترش بیمارستان و در نتیجه تملک اراضی پیرامون آن، در دستور کار قرار گرفت، نوده‌ای ناچار شد دکانی تازه برای خود دست‌وپا کند تا آنکه همین منازحه کنونی در ضلع شمال غربی میدان تجریش، در ابتدای خیابان سعدآباد را مناسب یافت و آن را ۲۵۰ هزار تومان قسطی اتیاع و در این‌جا هم سنت چهارشنبه‌های خود را حفظ کرد که به انقلاب و جمهوری می‌رفت تا کتب مطلوب برای کتابفروشی را خریداری کند.

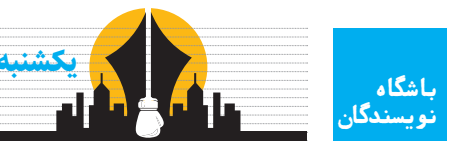
نوده‌ای بزرگ‌اما در سال ۱۳۷۷ در گذشت و آن را برای فرزندش، مهدی میراث گذاشت و او هم در آغاز دهه ۸۰ نورنوازش کرد و ۲۴ سال، اداره‌اش را ادامه داد و مدیر مالکش بود تا همین چند روز پیش. پدر و پسر بیش از نیم‌قرن کتابفروشی کردند و کتاب فروختند و نشان و نشانه‌های شدن از کتابفروشی محلی - و در کنار کتابفروشی زمینه در همین محله تجریش (خیابان مقصودبیک) که متعلق به کریمی و گلی امامی بود و طی سال‌های ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۹ فعالیت کرد - معتبرترین کتابفروشی شمیران بود.

فردوسی حق بزرگی بر گردن خیلی‌ها دارد. و برای همین هم هست که خیلی‌ها بمان با خاطر ساخته‌ایم، و البته جایش تا همیشه خالی خواهد ماند.



فراخوان

بی‌تعارف و تکلف، مثل همین متن کوتاهی که می‌پنیدیم. ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کاریکاتور و طراحی هم هستید جایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح تان که آماده شد یک تماس با شماره ۲۲۰۲۲۴۶ بگیرید تا برای رساندنش به ما، راهنمایی‌تان کنیم.



باشگاه
نویسندگان

از نمایش ترومن تا نمایش الجزیره



سید جواد سولوی
کارشناس رسانه

در فیلم نمایش ترومن ما داستان فردی را می‌بینیم که ظاهراً در یک شهر زندگی می‌کند، خانواده‌ای دارد، در یک شرکت بیمه کار می‌کند و دوست نزدیکی هم دارد که از بچگی بسا هم بزرگ شده‌اند. همه چیز درست و طبیعی و نرمال است تا اینکه ترومن کم‌کم به نشانه‌هایی بر می‌خورد که غیرعادی‌اند. سقوط ناگهانی یک نوافتن از آسمان یا تکرار مسیر ماشین‌ها در یک دور مداوم در خیابان. از اینجا به بعد است که راز این جهان کم‌کم بر او آشکار می‌شود. اینکه او و همه زندگی او توسط یک گروه بزرگ فیلمسازی از ابتدای تولد تا امروز کارگردانی شده است. او ستاره یک نمایش تلویزیونی با نام خودش است و البته که خود او تنها کسی است که از این راز بی‌خبر بوده است. بیایید این داستان را قدری نمادین بفهمیم. در تحلیل نمادین این داستان می‌شود اینگونه دید که ترومن به‌عنوان یک فرد از ابتدای تولدش تا همین امروز فریب یک نمایش رسانه‌ای را خورده است. در جهانی زندگی کرده که استودیوی بزرگی پیش نبوده. مکانی که یک شرکت رسانه‌ای با کارگردانی کاربلد و انبوهی از عوامل آماده کرده‌اند. به این ترتیب انگار ترومن همه ما را نمایندگی می‌کند که از ابتدای تولد تا کنون با رسانه رشد کرده‌ایم و بزرگ شده‌ایم و آنچه «حقیقت» می‌انگاریم چیزی جز روایت اسنادانه رسانه‌ها از جهان نیست. روایتی که با انبوهی از عوامل و کارگردان‌های کاربلد و صاحبان ثروتمند رسانه‌ها کارگردانی شده است.

بازی رسانه چیزی جز این نیست. یک بازی بزرگ برای آنکه داستانی را، روایتی از جهان را از زاویه دیدی خاص (و قطعاً نه بی‌طرف) به مخاطبان خود ارائه دهد. در این بازی هیچ کس بی‌طرف نیست و در تنشی مدام میان تفسیرهای مختلف از آنچه واقعیت می‌نامیمش یک روایت، قدرت بیشتری می‌یابد و فراگیر می‌شود. اغلب روایتی که قدرت و پول بیشتری از آن حمایت می‌کند. آنچه امروز با عنوان «جریان اصلی رسانه‌ای» شناخته می‌شود، همین گروه دارای قدرت و امکان هستند. شبکه‌های بزرگی که واقعیت جهان را با توجه به آنچه برای اداره کنندگانش ضرورت دارد، تفسیر و روایت می‌کنند. روایتی دستچین شده و با سوگیری خاص. روایت نبرد فلسطین و اسرائیل در تمام سال‌های اشغال تا امروز و به‌خصوص در سال‌های اخیر که اشغال سرزمین‌ها شدت و حدت بیشتری یافته و صهیونیست‌ها از حمله همه جانبه به سرزمین‌های فلسطینی هیچ ابایی ندارند، از همین جنس هستند. روایتی یکجانبه که در آن، طرف خیر و شر داستان خیلی روشن و مشخص تصویر می‌شود. اشغالگران افراد «نرمالی» هستند که به‌دلیل زندگی عادی و خوشبختی معمولی هستند و قربانی «تروریست‌هایی» می‌شوند که معلوم نیست برای چه نمی‌خواهند اجازه زندگی عادی به این افراد نر مال بدهند. روایتی جابه‌جاده و ناراست.

برای نخستین بار در دهه‌های اخیر این روایت قدرتمند با پوشش رسانه‌ای حیرت‌انگیز شبکه الجزیره از مراسم تشییع و خاکسپاری شیرین ابو عاقله در هم شکست. خبرنگاران این شبکه که همگی در گزارش‌های زنده از نقاط مختلف سرزمین اشغالی در حال پوشش مستقیم این رخداد بودند از همه آن تکنیک‌ها و تردستی‌های رسانه‌ای استفاده کردند تا داستان آن روز را با جزئیات کامل بدون تعارف و ملاحظه و بدون آنکه ادای بی‌طرفی را در بیآورند روایت کنند. داستانی که ناگهان چیزی خلاف روایت غالب گذشته بود. اسرائیل اصلاً آن موجود بی‌ظلمی که می‌شناختید نیست. یک موجودیت بی‌رحم و وقیح و پلید است و اگر باور تان نمی‌شود خودتان تماشا کنید که چطور خبرنگاری را کشند و مراسم تشییع او را به خون کشیدند و از هیچ خشونت‌ریغ نکرده‌اند. بیایید و در این ۴ ساعتی که ما داریم «واقعیت» را نشانمان می‌دهیم آن سمت دیگر این پدیده را نیز تماشا کنید.

پوشش رسانه‌ای موفق شبکه الجزیره از وقایع مربوط به روز تشییع شیرین ابو عاقله انگار فرصتی بود برای هر اهل رسانه‌ای که بپنند جور دیگری هم ممکن است. می‌شود مثل ترومن لزوماً تسلیم کارگردانی صاحبان قدرت نشد و لفظهای هر قدر کوتاه از زیر زهرمونی قدرت جریان اصلی بیرون آمد و کاری کرد که هیچ کس (واقعا هیچ کس به جز آن احق‌های مومه‌ای که همیشه گوشه و کنار پیدایشان می‌شود) جرأت نکرد در کنار اسرائیل بایستد. عزیز در دانه رسانه‌های جهانی ناگهان در مقابل یک پوشش رسانه‌ای حرفه‌ای و کاملاً جانبدارانه الجزیره تنها ماند. تجربه تماشا این پوشش رسانه‌ای الجزیره از جنس همان تلاش و عصیان ترومن برای بیرون آمدن از استودیوی بزرگ بود؛ شجاعانه و امیدبخش.

آخر مصور



■ بدون شرح / اثر آکین آندر